

## از سازمان وکالت تا فقاقت

### محمد رضا جباری

شواهد و مستندات تاریخی، حکایت از آن دارند که از دوران امامت امام صادق (ع) به این سو، برخی از اصحاب و یاران امامان شیعه (ع) به عنوان نمایندگان یا وکلای آنان، در مناطق و نواحی مختلف شیعه نشین و وظایف خاصی را انجام می دادند. از اینرو، می توان امام صادق (ع) را مؤسس تشکیلاتی قلمداد کرد که بعدها توانست نقش بسیار مهمی را در جامعه شیعی عصر ائمه (ع) ایفا نماید. نقشی که در عصر غیبت صغری، به اوج اهمیت و گسترش رسید.

اسباب و عوامل تعیین نمایندگان یا وکلا توسط امام صادق و امامان دیگر (ع) را می توان در چند امر خلاصه کرد:

○ بعد مسافت بین مناطق شیعه نشین و مراکز استقرار امامان شیعه (ع)

○ وجود جو خفقان و دشواری ارتباط مستقیم بین شیعیان و امامان (ع)

○ عدم دسترسی شیعیان به امامان (ع) به دلیل حبس، شهادت یا غیبت آنها

○ آماده سازی شیعیان نسبت به شرایط عصر غیبت.

چنانکه گفته شد امام صادق (ع) اولین امامی است که اقدام به تاسیس چنین تشکیلاتی نمود؛ چرا که شواهد تاریخی، وجود چنین تشکیلاتی را در عصر امامان پیشین تایید نمی کند؛ علاوه بر اینکه، شرایط سیاسی و اجتماعی شیعیان نیز چندان تناسبی با تاسیس چنین سازمانی نداشت.

گزارش شیخ طوسی در کتاب الغیبه (۱)، وجود تعدادی انگشت شمار، وکیل و نماینده برای امام صادق (ع) را اثبات می کند؛ چرا که این در حقیقت نقطه شروعی برای فعالیت وکلا بود. از آن پس، به مرور زمان، فعالیت این سازمان رو به گسترش نهاد. یک مقایسه آماری از تعداد وکلای هر یک از امامان (ع) می تواند تا حدود زیادی، چگونگی گسترش فعالیت این سازمان تا عصر غیبت صغری را روشن سازد:

نام امام	تعداد وكلا
امام صادق (ع)	۶ نفر
امام كاظم (ع)	۱۳ نفر
امام رضا (ع)	۱۰ نفر
امام جواد (ع)	۱۳ نفر
امام هادی (ع)	۱۴ نفر
امام عسکری (ع)	۲۱ نفر
امام زمان (عج)	۴۵ نفر

بدین ترتیب، مشاهده می‌کنیم که در عصر غیبت صغری، آنچه توسط امام صادق (ع) پایه‌ریزی شد، به خوبی نتیجه داد؛ و این وکلای امام عصر (ع) در نواحی مختلف شیعه‌نشین بودند که واسطه ارتباطی بین شیعیان و نواب اربعه را فراهم می‌آوردند.

مناطقى که وكلا در ادوار مختلف فعالیت سازمان وکالت، در آنها، مشغول فعالیت بودند، شامل نواحی مختلف شیعه‌نشین در جزیره‌العرب، شمال آفریقا، عراق و ایران بود. اسامی شهرها و مناطقی که طبق شواهد تاریخی، فعالیت وکلا در آن مناطق اثبات شده و یا مرتبط با سازمان وکالات بوده‌اند، بدین قرار است:

مدینه، مکه، یمن، بحرین، مصر، مغرب، کوفه، بغداد، سامرا، بصره، واسط، مدائن، نصیبین، موصل، قم، آوه، ری، قزوین، همدان، دینور، قریسین، آذربایجان، اهواز، نواحی مختلف خراسان و ماوراءالنهر همچون: سبزوار، نیشابور، مرو، کابل، سمرقند، کش، بخارا و برخی از دیگر مناطق شیعه‌نشین ایران (۲).

ذکر مستندات مربوط به هر یک از این مناطق موجود، لیکن از حوصله این مقال بیرون است.

نمایندگان امامان (ع) در حوزه های نمایندگی خود، وظایف مختلفی را انجام می دادند که مهم ترین آنها بدین قرار است:

۱. نقش مالی، یا دریافت وجوه شرعی؛ همچون خمس، زکات، نذر و یا هدایای شیعیان و تحویل آنها به امامان شیعه (ع) و مصرف آنها در مواردی همچون: مصرف بر ضد حاکمیت عباسی، و رفع نیازهای اقتصادی امامان (ع) و شیعیان نیازمند؛

۲. نقش ارتباطی بین مناطق شیعه نشین و مراکز استقرار ائمه (ع)، به وسیله نامه، ملاقات حضوری، پیک و قاصد و یا طرق خارق العاده؛

۳. نقش علمی و ارشادی نسبت به شیعیان، به ویژه در جریان انتقال امامت به امام بعدی؛

۴. نقش سیاسی و مبارزاتی بر ضد حاکمیت عباسی از طریق فعالیت مخفیانه ای که به انسجام و تقویت شیعیان و امامان آنها می انجامید؛

۵. نقش اجتماعی و خدماتی نسبت به ائمه (ع) و شیعیان، از طریق حضور در میان شیعیان و رفع نیازها و مشکلات ایشان؛

۶. نقش مبارزاتی بر ضد منحرفان و مدعیان دروغین وکالت و بابت برای ائمه (ع) که به ویژه در آستانه عصر غیبت و در این عصر، رو به فزونی نهادند؛

۷. نقش حفاظتی نسبت به امامان و شیعیان؛

۸. نقش تمهیدی نسبت به ورود شیعه به عصر غیبت.

خلفای عباسی که در برخی از برهه های زمانی به وجود چنین تشکیلاتی سوءظن پیدا کرده بودند، هر از چندگاه، هجمه هایی را بر ضد برخی از اصحاب امامان (ع) که در معرض این سوءظن قرار داشتند، ترتیب می دادند؛ که این خود حاکی از اهمیت کار وکلا و نمایندگان ائمه (ع) است. (۳)

امامان شیعه (ع) با شرایط خاصی، یک فرد را به عنوان وکیل و نماینده خود برمی گزیدند، که از جمله آن شرایط می توان از عدالت و وثاقت، رازداری و نهمانکاری، نظم، دقت، کاردانی و احتیاط یاد کرد.

با این وجود، موارد معدودی در تاریخ به چشم می خورد که برخی از وکلای امامان (ع) به خاطر دنیادوستی، جاه طلبی، حسادت، عقاید و افکار باطل و افراطی و... راه انحراف پوئیده و نهایتاً به خاطر شدت انحرافات خود از سوی امامان (ع) طرد و عزل و به تبع آن، مطرود و منفور جامعه شیعه گشتند.

اسامی این وکلا بدین قرار است:

علی بن ابی حمزه بطنانی، زیاد بن مروان قندی، عثمان بن عیسی رواسی، احمد بن ابی بشر سراج، منصور بن یونس، حیان سراج، هشام بن ابراهیم راشدی عباسی، صالح بن محمد بن سهل، فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی، عروه بن یحیی نخاس، احمد بن هلال کرخی عبرتائی، محمد بن علی بن بلال، محمد بن علی شلمغانی. (۴)

توجه به نقش و جایگاه تاریخی تشکیلات مخفی وکالت، می تواند شناخت دقیق تری نسبت به حیات و سیره امامان شیعه (ع) در اختیار ما بگذارد. هرگاه تصور کنیم که امامان ما با وجود فشارها و سخت گیریهای فراوان از سوی حکام بنی عباس، از طریق نمایندگان خود، یک شبکه ارتباطی فعال و مطمئن بین خود و شیعیان در اقصی نقاط شیعه نشین فراهم آورده بودند و بدین ترتیب، شیعیان می توانستند بدون این که خود مجبور به سفرهای دور و دراز برای پرسیدن سؤالات یا تحویل وجوه شرعی و امثال آن شوند؛ با مراجعه به وکلا و نمایندگان امامان (ع) مشکل خود را حل کنند و از خطرات مراجعه و ارتباط مستقیم با امامان نیز مصون بمانند؛ به اهمیت کار امامان (ع) در تشکیل و ساماندهی شبکه ارتباطی وکالت بهتر واقف می شویم. بدین صورت است که امامان شیعه (ع) نه به عنوان افرادی گوشه گیر و منعزل از مردم و شیعیان، بلکه به عنوان رهبرانی که با دقت و زیرکی تمام، یک شبکه مخفی ارتباطی با شیعیان در اقصی نقاط را راهبری می کردند؛ لحاظ خواهند شد. مروری بر اسامی شهرهایی که به عنوان نواحی مرتبط با سازمان وکالت معرفی شد، ما را به گستردگی کار این شبکه ارتباطی رهنمون خواهد شد. شبکه ای که از یک سو تا شمال آفریقا و از سوی دیگر تا عراق و سپس مناطق مختلف شیعه نشین در ایران و حتی برخی از نواحی خراسان قدیم و ماوراءالنهر گسترش یافته بود.

ساختار سازمان وکالت را می توان بدین گونه تصویر کرد: در راس این سازمان، امامان شیعه (ع) در نقش رهبر حضور داشتند؛ سپس برخی از برجسته ترین وکلای ایشان به عنوان دستیار و وکیل ارشد، نقش ساماندهی کار وکلای نواحی مختلف را عهده دار بودند و بالاخره وکلای ائمه (ع) در شهرها و نواحی

مختلف شیعه نشین در قاعده این هرم قرار داشتند که با حضور مستقیم در این نواحی و سکونت در آنها، نقشهای مختلف یاد شده در صفحات پیشین را ایفا می کردند.

پس از شروع غیبت صغری، مرجع و ملجا و تکیه گاه اصلی شیعیان، نواب اربعه بودند که وظیفه ایجاد ارتباط بین امام عصر (ع) و شیعیان را به عهده داشتند. فعالیت نواب اربعه در حقیقت استمرار فعالیتهای شبکه مخفی وکالت بود که از حدود یک قرن و اندی پیش و از عصر امام صادق (ع) آغاز شده بود. اولین سفیر ناحیه مقدسه در عصر غیبت صغری؛ یعنی عثمان بن سعید عمری، از مدتها پیش از غیبت صغری، ابتدا در محضر امام هادی (ع) و سپس در محضر امام عسکری (ع) نقش وکیل ارشد و دستیار مخصوص را به عهده داشت و وکلای نواحی مختلف مکلف به مراجعه نزد وی و کسب تکلیف از او بودند.

وی با شروع غیبت صغری، در سال ۲۶۰ ق. از سوی امام عصر (ع) به عنوان نایب آن حضرت انتخاب شد و در بغداد سکنی گزید. شایان ذکر است که مرکز استقرار دو امام هادی و عسکری (ع) تا پایان عمر شریفشان، شهر سامرا بود؛ اما با شروع غیبت صغری، شاید بیشتر به خاطر جهات امنیتی، مرکز فعالیت نواب خاص حضرت حجت (ع) از سامرا به بغداد انتقال یافت؛ (۵) گرچه این، به معنی سکونت شخص حضرت حجت (ع) در بغداد نیست.

تاریخ رحلت اولین سفیر ناحیه مقدسه، به درستی روشن نیست؛ البته طبق قرائنی، می توان حدس زد که وی بیش از یکی دو سال از عصر غیبت صغری را درک نکرده است. (۶)

پس از وی، فرزند ارشد او؛ یعنی ابوجعفر محمد بن عثمان سعید عمری، عهده دار مقام نیابت خاصه شد. وی در میان نواب اربعه، دارای طولانی ترین دوران نیابت است که از اوایل غیبت صغری (حدود ۲۶۳ ق.) تا سال ۳۰۵ ق. به طول انجامید و پس از وی، یکی از دستیاران برجسته اش، به نام «ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی» مقام نیابت را عهده دار گردید و تا سال ۳۲۶ ق. در این مت باقی بود. با رحلت سومین سفیر، «ابوالحسن علی بن محمد سمری» به عنوان چهارمین و آخرین نایب حضرت حجت (ع) بر مسند نیابت خاصه تکیه زد و با رحلت او به سال ۳۲۹ ق. و صدور توقیع معروف ناحیه مقدسه خطاب به وی، او از تعیین جانشین برای خود منع شده و آغاز غیبت کبری (غیبت تامه) اعلام شد. (۷)

با شروع غیبت کبری، «سازمان وکالت» پس از حدود دو قرن فعالیت، به کار خود پایان داد و وظایف آن به صورت دیگری، توسط فقهای شیعه در دوران غیبت کبری ادامه یافت؛ از این رو، می توان «سازمان فقاہت» را جانشین «سازمان وکالت» قلمداد نمود.

در پایان این مبحث، مناسب است به نامهای تعدادی از وکلا و نمایندگان برجسته امامان شیعه (ع) در دوران پیش از غیبت صغری، و در عصر غیبت صغری، اشاره کنیم:

۱. معلی بن خنیس (وکیل امام صادق (ع))؛
۲. نصر بن قابوس لخمی (وکیل امام صادق (ع))؛
۳. مفضل بن عمر جعفی (وکیل امام صادق و کاظم (ع))؛
۴. عبدالله بن جندب بجلی (وکیل امام کاظم (ع))؛
۵. عبدالرحمن بن حجاج (وکیل امام صادق و امام کاظم و امام رضا و امام جواد (ع))؛
۶. یونس بن یعقوب بجلی (وکیل امام رضا (ع))؛
۷. عبدالعزیز بن مهتدی (وکیل امام رضا (ع))؛
۸. صفوان بن یحیی بجلی (وکیل امام رضا (ع))؛
۹. علی بن مهزیار اهوازی (وکیل امام رضا و جواد (ع))؛
۱۰. ابراهیم بن مهزیار اهوازی (وکیل امام جواد و امام هادی و امام عسکری (ع))؛
۱۱. زکریا بن آدم قمی (وکیل امام رضا و امام جواد (ع))؛
۱۲. ابراهیم بن محمد بن یحیی همدانی (وکیل امام هادی و امام عسکری (ع))؛
۱۳. هارون بن عمران همدانی (وکیل ناحیه مقدسه)؛
۱۴. داود بن قاسم جعفری (وکیل امام هادی و عسکری (ع))؛
۱۵. علی بن جعفر همائی (وکیل امام هادی (ع))؛

۱۶. ایوب بن نوح بن دراج نخعی (وکیل امام هادی (ع))؛

۱۷. احمد بن اسحاق اشعری قمی (وکیل امام هادی و عسکری و ناحیه مقدسه (ع))؛

۱۸. حاجز بن یزید و شاء (وکیل ناحیه مقدسه (ع))؛

۱۹. محمد بن احمد بن حماد مروزی محمودی (وکیل ناحیه مقدسه (ع))؛

۲۰. محمد بن شاذان نیشابوری (وکیل ناحیه مقدسه)؛

۲۱. محمد بن احمد بن جعفر قمی قطان (وکیل ناحیه مقدسه (ع))؛

۲۲. احمد بن متیل قمی (وکیل ناحیه مقدسه (ع)).

#### پی‌نوشتها:

(۱) ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۹.

(۲) درباره موارد فوق به عنوان نمونه، به منابع زیر مراجعه شود:

همان، ص ۲۱۶ و...؛ همو، اختیار معرفه الرجال، تصحیح حسن مصطفوی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش، ص ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۱۳ و...؛ ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق، ص ۴۸۷ و...؛ حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تهران، نشر مجلس، ۱۳۱۳ش، ص ۲۱۱.

(۳) ر. ک. اختیار معرفه الرجال، ص ۶۰۷ و ۶۰۳؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۵۰۰ و ۵۲۵؛ قطب راوندی، الخرائج والجرائح، تصحیح و تحقیق مؤسسه امام مهدی، قم، ج ۲، ص ۶۸۲.

(۴) ر. ک. مجله علمی، تخصصی «معرفت»، س ۱۱، ش ۵۲، مقاله «نگاهی به انحرافات برخی از کارگزاران ائمه اطهار (ع)»، محمد رضا جباری.

(۵) ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۷۸.

٦) ر. ك: مولى محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، تهران، ١٣٧٦ به بعد، ج ٥١، ص ٣٠٠.

ر. ك: شيخ طوسى، كتاب الغيبه بيروت، نشر دار الكتاب الاسلامى، ١٤١٢ق، ص ٢١٥ تا ٢٤٣.

منبع: <http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/4227/4349/31785>